

آزمون بزرگ دولت‌پزشکیان برای مقابله با رانت‌خواری جدید

با وجود مخالفت وزارتخانه‌های ارتباطات و ارشاد و هشدارهای مکرر نهاد‌های صنفی و فعالان بخش خصوصی درباره «فساد رابودن» طرح موسوم به «سند تسهیم محتوا»، شنیده‌ها از نهایب شدن و تصویب «شیوه‌نامه اجرایی» آن در جلسه اخیر کمیسیون عالی محتوای مرکز ملی فضای مجازی حکایت دارد. اقتصاد ۲۴ نوشت؛ طرحی که در ظاهر با شعار «عدالت فرهنگی» و «رونق تولید محتوای بومی» معرفی شده، اما در عمل سازوکاری برای جمع‌ب منابع مالی حاصل از ترافیک اینترنتی و توزیع آن میان نهاد‌های حاکمیتی و به‌ویژه صداوسیما و مجموعه‌های نزدیک به حاکمیت را ایجاد می‌کند؛ مدلی تازه از «پول‌پاشی محتوایی» که منتقدان آن را دخال‌ت مستقیم دولت و نهاد‌های غیرپاسخگو در اقتصاد رسانه‌ای کشور می‌دانند.

▲ **ازایده تاجار**

ماجرای «سند تسهیم محتوا» به پیش از سه سال پیش بازمی‌گردد؛ زمانی‌که شورای عالی فضای مجازی مأمور تدوین مدلی برای «حمایت از تولید محتوای داخلی» شد. هدف اعلام‌شده، سهیم‌کردن تولیدکنندگان محتوا از کاربران شبکه‌های اجتماعی تا پلتفرم‌های بومی و رسانه‌های آنلاین در بخشی از درآمد حاصل از فروش ترافیک اینترنت بود. اما این ایده در مسیر اجرا دچار دگرگونی شد و به جای آن که هر تولیدکننده بر اساس میزان مصرف واقعی ترافیک محتوای خود سهم‌ببرد، سازوکاری طراحی شد که در آن یک کمیته محتوایی منتخب از نهاد‌های حاکمیتی تصمیم می‌گیرد که سهم چه کسانی و با چه معیارهایی پرداخت شود. به بیان دیگر، از مسیر شفاف بازار رقابتی به مسیر تصمیم‌گیری سلیقه‌ای و سیاسی تغییر جهت داده شد. چنان چه بر اساس گزارش‌های موجود، جلسه روز شنبه کمیسیون عالی محتوای مرکزی ملی فضای مجازی، با حضور نمایندگان سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه، مؤسسه نور، صداوسیما و وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، ارتباطات و ارشاد برگزار می‌شود؛ ترکیبی که به‌گفته منتقدان، کاملاً دولتی و حاکمیتی است و جای خالی نهاد‌های صنفی و نمایندگان واقعی بخش خصوصی در آن آشکار است.

▲ **سند تسهیم محتوا چیست؟**

مطابق متن اولیه سند، هدف آن «توسعه زیست‌بوم فرهنگی و اقتصادی فضای مجازی» از طریق ایجاد جریان درآمدی پایدار برای تولیدکنندگان محتواست. در ظاهر، این سند مقرر می‌کند که درصدی از درآمد اپراتورهای تلفن همراه از محل فروش ترافیک اینترنت، به صندوقی واریز شود تا میان تولیدکنندگان محتوا توزیع شود. اما در نسخه نهایی، این فرمول تغییر کرده‌است، چنان که طبق اظهارات فعالان صنفی، قرار است ۲۰ درصد از مبلغی که اپراتورها بابت ترافیک بین‌الملل به شرکت زیرساخت پرداخت می‌کنند، مستقیماً به صندوقی واریز شود که هیأت عاملی حاکمیتی آن را مدیریت می‌کند.

هم چنین به گفته محمد صراف، عضو هیأت مدیره انجمن وی‌اودی، این رقم سالانه بین ۱۰ تا ۱۵ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود؛ رقمی معادل بودجه چندین وزارتخانه فرهنگی کشور. مسئله کلیدی، آمار در نحوه توزیع این منابع است. تصمیم‌گیری درباره تخصیص بودجه به عهده کمیته‌ای خواهد بود که معیارهای آن نه براساس داده‌های فنی یا میزان بازدید محتوای واقعی، بلکه با شاخص‌هایی همچون «ضرب محتوای انقلابی» یا «همسویی با اهداف فرهنگی کشور» تعریف می‌شود. بدین ترتیب، تولیدکنندگان مستقل و غیردولتی عملاً از چرخه حمایت‌کنار گذاشته می‌شوند و نهاد‌های بودجه‌خوار، سهم اصلی را می‌برند.

▲ **صداوسیما و تسهیم محتوا**

در این میان، اما یکی از پرسش‌های محوری در تحلیل این روند، نقش و انگیزه صداوسیما است. سازمانی که هر سال بیش از ده‌ها هزار میلیارد تومان بودجه مستقیم و غیرمستقیم از دولت دریافت می‌کند، اکنون از طریق مرکز ملی فضای مجازی در بی سهم‌خواهی از بازار محتوای دیجیتال است. کارشناسان این رفتار را ادامه دادن الگوی تاریخی صداوسیما در انحصار رسانه‌ای می‌دانند. در دوره‌ای که بخش خصوصی، پلتفرم‌های ویدئویی و شبکه‌های اجتماعی به مهم‌ترین بستر تولید و مصرف محتوا تبدیل شده‌اند، صداوسیما در عمل مخاطبان خود را از دست داده‌است. اکنون این نهاد می‌کوشد نه از مسیر رقابت، بلکه از مسیر قانون‌گذاری و تسلط مالی جایگاه خود را بازسازی کند.

▲ **آزمون سخت شفافیت**

در این میان، اما یک مورد که این سند تسهیل را بیش از پیش مورد توجه قرار داده، این بوده که یکی از محورهای اصلی وعده‌های مسعود پزشکیان در کارزار انتخاباتی، پایان دادن به رانت و شفاف‌سازی اقتصاد دولتی بود. اکنون تصویب سند تسهیم محتوا آزمونی مهم برای دولت مسعود پزشکیان است؛ آیا دولت در برابر فشار نهاد‌های حاکمیتی می‌ایستد یا با سکوت خود به رسمیت شناختن دخالت در کسب‌وکار بخش خصوصی رضایت می‌دهد؟ وزارت ارتباطات و ارشاد پیش‌تر با صراحت مخالف خود را با نسخه فعلی سند اعلام کرده بودند، اما به نظر می‌رسد قدرت تصمیم‌گیری نهایی در دست مرکز ملی فضای مجازی و نهاد‌های فراقو‌های است که پاسخ‌گو به دولت نیستند. از همین رو، نتیجه جلسه روز شنبه، صرفاً تصمیمی فنی نیست، بلکه تله‌ای استحقاق دولت در برابر ساختارهای رانتی خواهد بود.

«آرمان ملی» علل موضع‌گیری تندروها و رسانه‌های حامی علیه حسن روحانی را بررسی می‌کند

اتهام وا‌هی؛ تسویه حساب سیاسی

▲ **محمود واعظی: دل‌پاسان با فرافکنی دنبال دوقطبی‌های کاذب در جامعه هستند**



▲ **پوپولیسم در گفتار**

رئیس دفتر رئیس‌جمهور در دولت دوازدهم، در واکنش به اظهارات اخیر در مجلس علیه حجت‌الاسلام حسن روحانی، اظهار داشت: نخست باید به این نکته حائز اهمیت اشاره کنم که آقای روحانی اخیراً موضع منفی درباره فدراسیون روسیه نداشته است. برعکس، ایشان همواره بر این باور بوده‌اند که به شکل پایدار به ویژه در شرایط حساس کنونی، خصوصاً فضای بین‌المللی متأثر از مکانیسم «اسنپ‌بک»، ضروری است جمهوری اسلامی ایران روابط خود را با کشورهای دوست از جمله روسیه، چین و همسایگان بر مبنای عقلانیت، احترام متقابل و منافع مشترک راهبردی تعمیق بخشد.

محمود واعظی گفت: نمی‌دانم منشأ این برداشت نادرست از کجاست و چه کسی چنین ادعایی را مطرح کرده است. معاون اسبق سیاسی وزارت امور خارجه افزود: در فضای سیاسی امروز، هرگونه انتساب نادرست به شخصیت‌های ملی، نه‌تنها اخلاقی نیست بلکه از منظر امنیت روانی جامعه نیز آسیب‌زاست؛ چراکه بی‌اعتمادی عمومی را نسبت به گفتار رسمی مسئولان افزایش می‌دهد. قائم مقام حزب اعتدال و توسعه ادامه داد: متأسفانه، برخی جریان‌های سیاسی، به‌ویژه از طیف تندرو اصولگرا و جبهه پایدار، در تلاش‌اند با تحریف سخنان و ساخت دوگانه‌های کاذب، نوعی «قطبی‌سازی تصنعی» در جامعه ایجاد کنند. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، این نوع رفتار، یکی از مصادیق «پوپولیسم گفتاری» است؛ یعنی تبدیل تفاوت دیدگاه‌ها به تعارض و جدوی میان گروه‌ها. این پدیده مخرب در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، تجربه شده است. رئیس دفتر سیاسی حزب اعتدال و توسعه بیان کرد: در حقیقت، آنچه همواره موجب ناراضیانی و افزایش رقابت سیاسی این گروه‌ها واقع می‌شود، صراحت و شفافیت آقای روحانی در گفت‌وگو با مردم است؛ از این رو همواره در تلاشند تا از طریق قطبی‌سازی تصنعی و فشارهای نامستحسن و ایجاد نراتاری در ذهن مردم، این ارتباط ایشان با مردم را کم‌رنگ کنند. هجمه‌های متعدد و غیراخلاقی که این روزها به آقای روحانی وارد می‌شود، در واقع نوعی فرافکنی سیاسی است. گروهی می‌کوشند تا کارآمدی‌های خود را در پوشش حمله به دولت پیشین پنهان کنند.

«آرمان ملی» در گفت‌وگویی اظهارات رئیس مجلس را بررسی می‌کند

چالش «ناترازی مدیریت» برای حکمرانی‌ها

مهدی آیتی: برای توسعه به مدیریت یکپارچه نیاز داریم

اجرا می‌شوند. نتیجه این ناهماهنگی، تصمیم‌گیری‌های مقطعی و غیرکارآمدی در تخصیص منابع بود است»، او در همین مورد و با تأکید بر مدیریت یک‌دست اضافه می‌کند: «از منظر توسعه‌ای، زمانه‌ای که مدیریت یکپارچه به عنوان یک ضرورت راهبردی پذیرفته نشود، امکان دستیابی به اهداف توسعه پایدار وجود نخواهد داشت. بسیاری از کارشناسان تأکید می‌کنند که راه حل این چالش‌ها در اصلاح ساختار حکمرانی، ارتقای شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها، استفاده از داده‌های دقیق و تقویت هماهنگی بین‌بخشی است. ایجاد شورای عالی یا نهاد فرابخشی برای مدیریت هم‌زمان آب، انرژی و محیط زیست می‌تواند به کاهش تعارض منافع و افزایش کارایی تصمیمات کمک کند. به این نکته هم باید اشاره کنم که عبور از بحران‌های فعلی تنها با نگاه سیستمی و هماهنگ میان نهاد‌ها ممکن است. در غیر این صورت، هرچند پروژه‌ها و طرح‌های متعددی اجرا شوند، نتیجه‌ای جز تکرار بحران‌ها و اتلاف منابع نخواهد داشت. مدیریت هماهنگ، شفاف و آینده‌نگر شرط اصلی حرکت واقعی در مسیر توسعه پایدار است.»

▲ **مدیریت هماهنگ**

مهدی آیتی، تحلیلگر مسائل سیاسی و نماینده ادوار مجلس شورا در این مورد که چه چالش‌های مدیریتی چقدرروی کیفیت زندگی شهروندان تأثیر گذاشته، به خبرنگار «آرمان ملی» می‌گوید: «چالش‌های حوزه انرژی و آب در ایران در سال‌های اخیر به یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های ملی تبدیل شده است. این دو بخش حیاتی، به دلیل وابستگی مستقیم به رشد اقتصادی، امنیت غذایی و پایداری زیست‌محیطی، نقش تعیین‌کننده‌ای در مسیر توسعه کشور دارند. با این حال، بررسی کارشناسی نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از مشکلات موجود نه به کمبود منابع، بلکه به ضعف در مدیریت، سیاست‌گذاری ناهماهنگ و نبود رویکرد یکپارچه میان دستگاه‌های اجرایی بازمی‌گردد. در بخش انرژی، تداوم سیاست‌های نادرست یا رانه‌ای، فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت برای تنوع‌بخشی به منابع انرژی، و وابستگی شدید به سوخت‌های فسیلی، موجب اتلاف گسترده منابع و ناپایداری اقتصادی شده است. نهاد‌های مختلف، از وزارت نفت و نیرو گرفته تا سازمان محیط زیست و بخش خصوصی، هرکدام سیاست‌های جداگانه‌ای دارند که گاه در تضاد با یکدیگر

▲ **ناترازی در مدیریت**

باتوجه به اینکه دیگر بسیاری ناترازی‌ها باعث کاهش کیفیت شهروندان شده است مسئولان بالا‌دستی دنبال راهکاری برای برون‌رفت از وضعیت کنونی هستند. در این مورد محمدباقر قالیباف رئیس مجلس، در

گزارش

سخنگوی وزارت امور خارجه:

آمریکا و برخی متحدانش

بزرگ‌ترین ناقضان منشور سازمان ملل هستند

سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست برگزارشدت روز ملل متحد و گرامیداشت فرارسیدن هشتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل اظهار داشت: سازمان ملل متحد نه صرفاً بزرگ‌ترین و تنها نهاد جهان شمول برای تعامل و همکاری جهت صیانت از صلح، تقویت همکاری، ارتقای احترام به حقوق بشر و کرامت انسانی، و پیشبرد توسعه و رفاه ملت‌هاست؛ بلکه نماد و نشانه عبرت‌آموزی نوع بشر از دردها و رنج‌های گذشتگان است.

اسماعیل بقایب گفت: سازمان ملل متحد بر خاکستر جنگی عالم‌گیر و ویرانگر و با درس آموزی از تجربه ناکام پیشین یعنی جامعه ملل که خود تلاشی در جهت جلوگیری از تکرار فاجعه جنگ اول جهانی بود، بنا نهاده شد. بی‌دلیل نیست که «در امان نگاه داشتن نسل‌های آینده از بلیه جنگ» به عنوان مهم‌ترین فلسفه و کاربوه سازمان ملل متحد در صدر منشور سازمان نقش بست، «صیانت از صلح و امنیت بین‌المللی» در کنار «توسعه روابط دوستانه بین کشورها بر مبنای» احترام به اصل حقوق برابر و «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها» به عنوان دوهدف از اهداف اصلی سازمان تعیین شد، و «منع توسل با تهدید به توسل به زور» در کنار «تعهد به احترام به تکالیف و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی» و «تعهد نسبت به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات» به عنوان قواعدی بنیادین در ماده ۲ منشور گنجانده شد. وی افزود: شوربختانه، اهداف و اصول منشور ملل متحد از همان بدو تأسیس سازمان ملل متحد در معرض نقض، دست‌اندازی، تفسیر دلیخواهانه و سوءاستفاده مکرر از سوی طرف‌هایی قرار گرفت که تا امروز نتوانسته‌اند خود را از ذ‌هینت و توهم «خود برترپندار» استعماری رها کنند. و چنین شد که اکنون، تنها ۸ دهه بعد از تأسیس سازمانی که در برگزیده آرمان انسانی صلح، عدالت و کرامت انسانی بود، جهان ما با کابوس جنگ‌های بی‌پایان مواجه است، بی‌عدالتی در ابعاد مختلف غوغا می‌کند و کرامت انسانی قربانی طمع‌ورزی و نژادپرستی می‌شود.

اگر مروری بر تاریخ یکصد ساله اخیر در روابط بین‌المللی بیندازیم و تاملی کوتاه در وضعیت کنونی روابط بین‌المللی، از غرب آسیا تا کارائیب و آمریکا لاتین، داشته باشیم، می‌بینیم که قانون‌شکنی‌ها و نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل که موجب وجود فجایع بزرگ انسانی و جنگ‌های ویرانگر شده است، همواره از جانب بازیگرانی قدرتمند بوده است که خود را ورای قواعد حقوق بین‌الملل پنداشته و در یک دهه اخیر نیز با جعل مفهوم «نظم مبتنی بر قواعد»، ترتیباتی خودسرانه، خودخواهانه و سیال را به عنوان مبنای رفتارهای خود بگیرین «اصول و قواعد حقوق بین‌الملل» کرده‌اند.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی بیان کرد: «یکجانبه‌گرایی ستیزه‌جویانه» ای که اکنون راهنمای عمل آمریکا و متحدین آن در روابط بین‌الملل شده و جهان را دستخوش ناامنی و هرج و مرجی بی‌سابقه کرده است مبنایی جز همین «قاعده‌های ساختگی» که صرفاً تأمین‌کننده مطامع و منافع غیرقانونی است، ندارد.

در دنبایی که بر مبنای این «قواعد» اداره می‌شود استفاده از زور و تهدید و ارباع، عادی می‌شود، بی‌حرمتی به توافق‌ها و تعهدات حقوقی- بین‌المللی هیچ تبعاتی برای ناآزمین بنیادینی چون احترام به حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، احترام به حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی دولت‌ها، منع توسل به زور، ممنوعیت مداخله در امور داخلی کشورها و امثالهم بوده است. هیچ‌گاه چنین در معرض فشار و تحریف و نقض از جانب قدرت‌هایی که ازفضا در چارچوب شورای امنیت سازمان ملل متحد مکلف به صیانت از صلح و امنیت بین‌المللی شده‌اند، نبوده است.

وی ادامه داد: باید به صراحت گفت آمریکا و برخی از متحدان آن بزرگ‌ترین ناقضان اصول و اهداف منشور ملل متحد هستند.

متربک جاسم‌الدین، کاف‌ی است عملکرد این کشور و طرفی که از اعتراف صریح رئیس‌جمهور آمریکا «نایب یا پراکسی» آن به شمار می‌آید را مدنظر قرار دهیم؛ در این دو سال همزمان با ارتکاب بزرگ‌ترین نسل‌کشی مستمر تاریخ در فلسطین اشغالی، رژیم صهیونیستی به چندین کشور تهاجم نظامی کرد، متربک اقدامات نژادپرستی‌شد و خاک دو کشور را به اشغال درآورد. این در حالی است که همه این نقض‌های فاحش اصول و اهداف منشور با حمایت و همدستی کامل آمریکا و برخی طرف‌های اروپایی همراه بوده است به نحوی که نوعی بی‌کیفرمانی مطلق برای رژیم اشغالگر اسرائیل ایجاد شده و آمریکای حاضی اقدام به تحریم و تهدید قضا‌ت دیوان بین‌المللی کیفری و دیوان بین‌المللی دادگستری به خاطر رسیدگی به جنایات ارتکابی در غزه نموده است.

وی عنوان کرد: در آن سوی جهان در منطقه کارائیب و آمریکای لاتین، آمریکا به بهانه‌هایی که قبلاً بارها در همان منطقه آزموده شده است، حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت ونزوئلا و برخی دیگر از کشورهای مستقل را نشانه گرفته است و بدتر اینکه سرزمین کشورهای همسایه را تبدیل به محلی برای سازماندهی و آماده‌سازی استفاده از زور علیه کشوری دیگر کرده است و این یعنی اخلال در روابط دوستانه و حسن همجواری بین ملت‌هایی که در شرایط عادی، زیستی صلح‌آمیز و محترمانه‌ای با هم داشته‌اند.

سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: بدون تردید اقدامات تحریک‌آمیز و تهدیدهای مستمر آمریکا علیه ونزوئلا، کوبا، کلمبیا، نیکاراگوئه، برزیل و دیگر کشورهای منطقه کارائیب و آمریکای لاتین محکوم و ناقض صلح و امنیت بین‌المللی است. همانطور که دبیرکل در پیامشان اشاره کردند، اکنون زمان عقب‌نشینی و انفعال نیست. ما به عدالت باور داریم، ما به سازمان مللی ایمان داریم که نماینده واقعی حقوق ملت‌ها است.